

۵۴۵ ۱۴۴۴

بخت‌بین در ادوار تاریخ
از آریوبرزن تا سردار اسعد

www.ketab.ir

سرشناسه: سعادت نوری، حسین، ۱۳۸۵ - ۱۳۵۵.
 عنوان و نام پدیدآور: بختیاری در ادوار تاریخ از آریوبرزن تا سردار اسعد/ نوشته‌ی حسین سعادت نوری
 اصفهانی؛ گردآوری، مقدمه و تصحیح محسن حیدری.
 مشخصات نشر: تهران: تمّتی، ۱۳۹۵.
 مشخصات ظاهری: ۲۵۶ ص: مصور.
 فروست: پژوهش‌های تاریخی سرزمین بختیاری؛ ۲.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۲۰۴-۳-۲
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 یادداشت: مطالب کتاب حاضر در سال‌های دهه بیست و سی و چهل به صورت مقاله در مجلات مختلف منتشر شده است.
 موضوع: بختیاری -- تاریخ
 شناسه اثر: حیدری، محسن، ۱۳۶۲ - گردآورنده، مقدمه‌نویس، مصحح
 رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۱ س۷/ب۳ DSR۷۲
 رده‌بندی دی‌سی: ۹۵۵/۹۷۶
 شماره کتابشناسی ملی: ۴۱۲۶۸۵

بختیاری در ادوار تاریخ از آریوبرزن تا سردار اسعد

نوشته: سید سعادت نوری اصفهانی
 گردآوری، مقدمه و تصحیح: محسن حیدری

ناشر: تمّتی، تهران

بیت چاپ: او

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

تاریخ نشر: ۱۳۹۵

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۲۰۴-۳-۲

طراحی جلد: غزل ادیب

تایپ و نمونه خوانی: سحر عباسی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: طاهر

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

نشانی: تهران، تهران، خیابان انقلاب، روبروی دانشگاه،

مجتمع فروزنده، طبقه چهارم، واحد ۷۰۲

صندوق پستی ۱۶۹۷-۱۳۱۴۵ | تلفن ۰۹۱۲۰۱۹۰۲۷۰



www.tamti.ir

با سپاس از جناب آقای ارسلان شهنی که حامی نشر تمّتی در انتشار این اثر بودند.

فهرست مطالب

۷	مقدمه مصحح
۲۳	بختیاری در ادوار محاکم تاریخ از آریو برزن تا سردار اسعد
۳۳	ظلال السلطان و ماجرای قتل حسینعلی خان بختیاری (ایلخانی)
۹۵	هارون ولایت در میانه‌ی نبرد قدرت سردار اشجع بختیاری و آقاجقی
۱۰۵	دورنمایی از زد و خورد سردار جنگ بسیری رضا و جعفرقلی
۱۲۷	تشییع پیکر علیقلی خان سردار اسعد در اصفهان
۱۳۰	حمایت سردار اشجع از کتاب و کتابخوانی در اصفهان
۱۳۵	مرمت خیابان با هزینه‌ی شخصی سردار اشجع
۱۳۸	بختیاری‌ها و عدلیه‌ی اصفهان پس از مشروطیت
۱۴۳	تنبیه سادات اغتشاشگر توسط سردار اشجع بختیاری
۱۴۸	مخالفت سردار اشجع با سخن پزشکی انگلیسی
۱۵۱	مخالفت سردار اشجع با برتری‌جویی انگلیسی‌ها
۱۵۷	هارون ولایت و پشت پرده‌ی مخالفت با سردار اشجع
۱۶۲	نقش سردار اشجع در برقراری امنیت در اصفهان
۱۶۶	گزارش مطبوعات از مخالفت آقاجقی با سردار اشجع
۱۷۳	مطبوعات و دعوت سران بختیاری به حفظ اتحاد
۱۷۷	زمینه‌های زمامداری نصیرخان بختیاری در اصفهان

۱۸۲	 نصیرخان بختیاری و سرکوب اشرار حومه‌ی اصفهان
۱۹۰	 سردارظفر بختیاری و تنبیه مردم‌آزاران در بازار اصفهان
۱۹۴	 نظر رعدی آذرخشی و سعید نفیسی درباره سردار بختیار
۲۰۰	 دیدگاه علی‌اصغرخان حکمت درباره‌ی مظفر بختیار (اول)
۲۰۷	 فرزندان و نوادگان محمدخان سردار اشجع بختیاری
۲۱۲	 فرزندان و نوادگان نصیرخان سردار جنگ بختیاری
۲۱۷	 نیه‌ها
۲۳۹	 تصاویر

مقدمه‌ی مصحح

اصفهان قصرمندی با شکوه هنرهای ایرانی است؛ کسی که در اصفهان زندگی می‌کند، با قدم زدن در بلوارهای زیبا، عبور از پل‌های سرپوشیده‌ی باشکوه، تماشای کاخ‌های ازمانده از شاهان قدرتمند، حضور در مسجدهای رازآمیز و خرید از بازارهای محصوریه‌فرد و کهن احساس می‌کند «نصف جهان» را بیموده است و ببریر این حسی تعلق تاریخی به این کهن بوم و بر می‌شود. شاید به خاطر همین نداشتن بودن و تعلق تاریخی در تار و پود شهر است که اصفهانیان — به ویژه در دوره‌ی معاصر — کمتر به تدوین تاریخ خود و سفتن این گوهر گران بها پرداخته‌اند. تاریخ اصفهان (به‌ویژه تاریخ اصفهان معاصر) از شدت ظهور، در خفا است.

از جمله نویسندگانی که در تدوین تاریخ اصفهان کوشیدند، حسین سعادت نوری اصفهانی^۱ است.

۱. اطلاعات کمی درباره‌ی زندگی حسین سعادت نوری در منابع تاریخی موجود است تا آن‌جا که می‌توان وی را «زندگینامه‌نویس بی‌زندگینامه» یا (به رسم قدما که زندگینامه را «ترجمه» می‌نامیدند) «مترجم بلا ترجمه» نامید. به رغم انتشار کتاب‌های مختلف و مقالات متعدد، جزئیات زندگی وی (حتی در میانه‌ی دهه‌ی چهل خورشیدی یعنی اوج زندگی حرفه‌ای‌اش) برای خوانندگان آن روز مجلات تهران ناشناخته بود. مجله‌ی یغما در سال ۱۳۴۶ ه. ش و در خاتمه‌ی سری مقالات «حاج میرزا آقاسی» می‌نویسد: «بعضی از خوانندگان شهرستان‌ها درباره‌ی نویسنده اطلاعاتی خواسته‌اند که اکنون موقع است به اجمال یاد شود» و سپس اطلاعاتی در حد چهار سطر بیان می‌دارد که تا پایان عمرش —

حسین نوری در سال ۱۲۸۵ هـ. ش در اصفهان متولد شد. پدرش مازر علی اکبرخان نوری و مادرش حیات خانم ملقب به فخرالملوک بود. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدرسه‌ی «غلیه»^۱ که به ریاست عالییه‌ی آقاخان محاسب‌الدوله^۲ در سال ۱۳۲۵ هـ. ق تأسیس شده بود، گذراند. حسین در شعر «سعادت» تلخیص می‌کرد و به «سعادت نوری» معروف شد.

برای تحصیلات تکمیلی در کالج یا «مدرسه‌ی عالی انگلیسی‌های اصفهان»^۳ به ریاست اُسقف «لنتین»، روحانی مسیحی، پذیرفته شد و پس از

→ «... بعدی وی تکرار می‌شود. احتمالاً این نوع معرفی مختصر، بی‌ارتباط با خواست حرس نموده است. هر چند یادداشت مختصری که فرزند برومندش دکتر منوچهر سعادت نوری در سال ۱۳۶۴ بر کتاب «رجال قاجاریه» نوشت، جبران مافات کرد.

۱. «غلیه» (شبهه به ترکیب اسبی حسینیّه)، به معنی محل منسوب به امام علی (علیه‌السلام) می‌باشد. این مدرسه در نیمه‌ی شهبان ۱۳۲۵ هـ. ق افتتاح شد. محل مدرسه در جنب مسجد رحیم‌خان بود و تا آن زمان در همان محل باقی ماند.

۲. آقاخان محاسب‌الدوله از مشروطه‌خواهان اصفهان بود که پس از تشکیل دوره‌ی دوم انجمن ولایتی اصفهان در ذی‌حجه‌ی ۱۳۳۸ هـ. ق به ریاست این انجمن برگزیده شد. وی دانش‌آموخته‌ی مدرسه‌ی دارالفنون تهران، صاحب تألیفات در علوم جدید از جمله شیمی و جبر و مقابله بود. سه مدرسه‌ی نوین در اصفهان به امت او ساخته شد که عبارتند از غلیه، ایتم (رایگان ویژه‌ی ایتم پسر) و دوشیزگان (رایگان ویژه‌ی ایتم دختر). وی در محرم ۱۳۳۲ هـ. ق مدتی به عنوان رئیس اداره معارف اصفهان منصوب شد. همچنین در طول جنگ جهانی اول که اصفهان با قحطی شدید روبه‌رو شد، عضو «کمیسیون ارزاق» اصفهان بود. محاسب‌الدوله در سال ۱۳۵۶ هـ. ق درگذشت و در بقعه‌ی امام سیدحسن مدرس جنب مسجد رحیم‌خان و در نزدیکی مدرسه‌ی غلیه به خاک سپرده شد.

۳. مدرسه‌ی عالی انگلیسی‌های اصفهان به ریاست اُسقف «لنتین»، روحانی مسیحی از جمله مدارس نوین اصفهان بود که بیشتر معلمان آن از اتباع انگلیس بودند. مدرسه در منزل و باغ امین‌الشریعه (حاج شیخ محمدتقی اشراقی فشارکی ملقب به امین‌الشریعه، روحانی ثروتمند نزدیک به انگلیس، که حکم نفتی انگلیس با خان‌های بختیاری و ناظر قراردادهای نفتی دو طرف بود) واقع در محل سر پل حاج کاظم (پلی که روی «مادی» (کانال آب) —

کسب آموزش‌های نوین، به فارغ‌التحصیلی نائل آمد. دانش‌آموختگان این کالج به زبان انگلیسی مسلط بودند. حسین سعادت نوری از بهترین زبان‌آموختگان این کالج بود. او به علت تسلطش بر زبان انگلیسی و نیز به‌خاطر ادب و نوع رفتارش با متولیان مدرسه، از سوی ریاست کالج به همکاری دعوت شد و به تدریس زبان انگلیسی در آن کالج پرداخت. در سال‌های بعد، تدریس دروس دیگر از جمله تاریخ، ادبیات فارسی و جغرافیا نیز به وی واگذار شد. وی از نخستین نسل دانش‌آموختگان ایرانی کالج انگلیسی‌ها بود که برای تدریس در کنار مدرسان انگلیسی به همکاری فراخوانده شد.

در سال ۱۳۰۰ در پی دریافت پیشنهاد شغلی مناسب، که احتمالاً با واسطه‌گری متولیان مدرسه به وی ارائه شده بود، به کرمان رفت و با عنوان «منشی مخصوص» و «مترجم» در تجارتخانه‌ی «دیلمقانی»^۱، تاجر بزرگ و

«... در خیابان شیخ بهایی قرار داشت...»^۲ پس شد. بعداً به محل خانه‌ی علیرضاخان واقع در پشت مسجد شاه در کوچه‌ی پشت مطبخ منتقل شد و سال‌ها همان‌جا ماند تا زمان جنگ جهانی اول که آن مکان به تصرف ملین درآمد و به عنوان مقر کمیته‌ی دفاع ملی تعیین شد. علی همای از دانش‌آموختگان این مدرسه در خاطرات خود تصریح می‌کند که این مدرسه برای تبلیغ مسیحیت در اصفهان تأسیس شده بود و طبق حکم آقاجقی «مدرسه‌ی کفار» نامیده می‌شد و هر کس فرزندش را به آنجا می‌فرستاد جزو مرتدین محسوب می‌شد و افکار عمومی محصلان این مدرسه را آلوده دانسته و از عبور آن‌ها از حیاط مسجد شاه جلوگیری می‌کردند.

ن.ک. خاطرات علی همای، به تصحیح عبدالمهدی رجایی، قم: انتشارات بعثت خاتون اسلامی، چاپ اول ۱۳۹۴، صفحه ۱۵ تا ۱۸.

۱. علی همای از دانش‌آموختگان این کالج در خاطرات خود نوشته است که مدیر مدرسه، دانش‌آموختگان مدرسه را به فراخور حال به تاجر بزرگ ایرانی که نیاز به مترجم و دبیر برای مکاتبات داخلی و خارجی داشتند، معرفی می‌کرد. ن.ک. خاطرات علی همای، همان، ص ۶۱.
۲. احمد یزدانی‌پناه معروف به دیلمقانی، تولیدکننده‌ی فرش دست‌بافت و از بزرگ‌ترین صادرکنندگان فرش دست‌بافت کرمان به آمریکا، انگلیس و آلمان بود. او در شهرهای —

مشهور کرمانی، مشغول به کار شد.

سعادت نوری که در ۲۲ سالگی به کرمان رفته بود، طی هفت سال، مسئولیت تنظیم مکاتبات فارسی و انگلیسی دیلمقانی با مخاطبان داخلی و خارجی را برعهده داشت.

در این دوره، به تدریس زبان انگلیسی، تاریخ، جغرافیا و ادبیات فارسی در دبیرستان انگلیسی‌های کرمان و دیگر مدارس نیز می‌پرداخت.

از نخستین آثار وی، گردآوری و انتشار کتابی راجع به شعرای اصفهان با عنوان «کرمانی ادب»؛ محتوی بهترین آثار ۷۴ نفر از شعرای معاصر^۱ در سال ۱۳۱۱ ه. ش است که به خوبی نمودار علائق شخصی و دلمشغولی وی به ادبیات فارسی است. تاریخ شاعران زادگاهش می‌باشد.

کتاب دیگری نیز با عنوان «جنگ شعرا»^۲ از وی باقی مانده که به نظر می‌رسد ویراست مقدماتی راوی بهی همان «گل‌های ادب» است.

از نخستین ترجمه‌های وی، که در دوره‌ی اقامتش در کرمان انجام شد، ترجمه‌ی دو کتاب از سر پرسی^۳ یکس^۴ صاحب‌منصب انگلیسی بود.

→ کرمان، زرنند، راور، ماهان و دهات دیر استانی که این کارخانه‌هایی دایر کرد و تقریباً می‌توان گفت فرش کرمان را به انحصار خود آورد. وی نمایندگی کمپانی ایتالیایی «دیلمقانی» (Dilmaghani Oriental Rugs and Carpets) را در «حوب شرق ایران بر عهده داشت و به این دلیل مردم او را «دیلمقانی» می‌خواندند. برخی «دالی‌ها» خیره از وی به یادگار مانده است. دیلمقانی در سال ۱۳۲۳ ه. ش در کرمان به قتل رسید.

۱. گل‌های ادب محتوی بهترین آثار ۷۴ نفر از شعرای معاصر، حسین سعادت نوری، اصفهان: مطبعه‌ی اخگر، چاپ اول ۱۳۱۲ ه. ش.

۲. جنگ شعرا، حسینخان سعادت نوری، بی‌جا [احتمالاً اصفهان]، بی‌تا، (نسخه‌ای از این کتاب در ۱۶۰ صفحه در کتابخانه‌ی بنیاد دایره المعارف بزرگ اسلامی در تهران موجود است و نام صوف را به صورت «حسینخان» ثبت کرده است).

۳. سر پرسی مولسورث سایکس (Sir Percy Molesworth Sykes)، ایران شناس، مستشرق، مورخ و نویسنده‌ی انگلیسی (۱۸۶۷-۱۹۴۵ میلادی معادل ۱۲۴۵-۱۳۲۴ ه. ش)، ←

وی کتاب «تاریخ مختصر ایران»^۱ و کتاب «هشت سال در ایران یا ده هزار میل سیر در کشور شاهنشاهی»^۲ از آثار سایکس، را به ترتیب در سال‌های ۱۳۱۲ و ۱۳۱۵ منتشر کرد.^۳

در سال ۱۳۱۲ با خانم «سلطنت آراین» (دختر میرزا داودخان آراین، مدیر داخلی مدرسه‌ی عالی انگلیسی‌ها) ازدواج کرد که حاصل این پیوند فرزندان فریختنی به نام‌های دکتر منوچهر و پریوش هستند. در سال ۱۳۱۴ در ۲۹ سالگی، به استخدام وزارت دارایی درآمد و از آن پس به تهران آمد. در این دوره نیز به ترجمه‌ی آثار صاحب‌منصبان انگلیسی ادامه داد و

— از مأموران سیاسی و نظامی انگلیس در هندوستان و ایران و مسلط به زبان فارسی و نویسنده‌ی چندین کتاب درباره‌ی ایران است. وی در پست‌هایی از جمله سرکنسول انگلیس در سیستان و بلوچستان، سرکنسول در کرمان، سرکنسول در خراسان، فرمانده پلیس جنوب ایران (اس.پی.آر.) به پادشاه بریتانیا خدمت کرد. تا دسامبر ۱۹۱۸ م (برابر با آذر ۱۲۹۷ ه.ش) در ایران بود. پس از برنشتی به لندن رفت. علاوه بر نشان‌ها و مدال‌هایی که که سایکس در طی خدمت نظامی و نظامی دریافت کرد، سازمان‌های مختلف علمی و پژوهشی انگلستان نیز اقدامات او را پیرامون تحقیقات تاریخی و جغرافیایی با اهدای نشان‌ها و مدال‌های مختلف تقدیر و ستایش نمود. وی در ۱۱ ژوئن ۱۹۴۵ م (مطابق با بیست و یکم خرداد ۱۳۲۴ ه.ش) در لندن درگذشت.

۱. تاریخ مختصر ایران، سر پرسی مولسورث سایکس، ترجمه‌ی حسین سعادت نوری، اصفهان: مطبعه‌ی عرفان، بی‌تا [احتمالاً ۱۳۱۲ ه.ش].

۲. هشت سال در ایران یا ده هزار میل سیر در کشور شاهنشاهی، سر پرسی سایکس، ترجمه‌ی حسین سعادت نوری، اصفهان: مطبعه‌ی روزنامه‌ی عرفان، چاپ اول ۱۳۱۲ ه.ش.

۳. سر پرسی سایکس تا ۱۱ ژوئن ۱۹۴۵ م (مطابق با بیست و یکم خرداد ۱۳۲۴ ه.ش) زنده بود و در لندن زندگی می‌کرد و در نهادهای پژوهشی انگلیس مورد توجه و تجلیل و طرف مشورت بود و در آن سال‌ها از نفوذ قابل توجهی در ایران برخوردار بود و ترجمه‌ی آثار او توسط سعادت نوری ممکن است به توصیه‌ی متولیان کالج انگلیسی‌های اصفهان یا به توصیه‌ی دیلمقانی که از زمان سرکنسولی سر پرسی سایکس در کرمان با وی رفاقت داشت و یا به ابتکار عمل سعادت نوری و با انگیزه‌ی پژوهشی یا آشنایی با این صاحب‌منصب اروپایی صورت گرفته باشد.

ترجمه‌ی کتاب‌های «شهرهای نامی ایران»^۱ اثر لارنس لاکهارت^۲ و «جنگ ایران و انگلیس راجع به هرات»^۳ اثر کاپیتان هنت^۴ را به ترتیب در سال‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۲۷ به دست چاپ سپرد.

در سال ۱۳۳۵ به کوشش او خاطرات دکتر نورالله دانشور علوی از مشروطه‌خواهان اصفهان نگاشته، تنظیم و منتشر شد. سعادت نوری عنوان «تاریخ مشروطه‌ی ایران و جنبش وطن‌پرستان اصفهان و بختیاری»^۵ را برای این کتاب برگزید و علاوه بر نگارش مقدمه و حواشی، تکمله‌ای ذیل عنوان «بختیاری» در ادوار مختلف تاریخ» بر کتاب افزود و در آن به قرینه‌سازی معنوی بیان به اهمیت نقش تاریخی آریوبرزن و سردار اسعد پرداخت. این کتاب یکی از منابع دست اول تاریخ معاصر بختیاری به شمار می‌رود.

۱. شهرهای نامی ایران، لارنس لاکهارت، ترجمه‌ی حسین سعادت نوری، اصفهان: مطبعه‌ی عرفان، ۱۳۲۰ ه.ش.

۲. دکتر لارنس لاکهارت (Lawrence Lockhart) تاریخدان، پژوهشگر، عکاس و ایرانشناس بریتانیایی (۱۸۹۰ - ۱۹۷۵ م) است که از سال ۱۹۳۴ تا ۱۹۵۴ م (برابر با ۱۳۰۳ تا ۱۳۳۳ ه.ش) به مدت ۳۰ سال به طور مرتب به ایران رفت و آمد داشت. وی بیشتر این ایام را در ایران زندگی کرده است. از آثار او می‌توان «تاریخ‌های «نادر شاه»، «فره‌یابی صفویه» و «شهرهای نامی ایران» اشاره کرد. او جزو نویسنده‌ی «تاریخ ایران» دانشگاه کمبریج بوده است.

۳. جنگ انگلیس و ایران در سال ۱۲۷۳ ق، کپتین هنت، ترجمه‌ی حسین سعادت نوری، با حواشی و اضافات به قلم عباس اقبال آشتیانی، تهران: بی‌نا شرکت سهامی چاپ، احتمالاً به کوشش اقبال، چاپ اول ۱۳۲۷ ه.ش.

۴. کپتین هنت انگلیسی (با نام کامل جورج هنری هانت و نام نظامی کپتین هنت. جی. اچ. Hunt, George Henry) متولد سال ۱۸۳۰ م در موسکوکای کانادا، افسر ارتش بریتانیا بود و از جمله در نبرد انگلیس علیه ایران در عصر محمدشاه قاجار حضور داشت. وی در ۲۶ ژانویه ۱۸۸۲ م به مرض ذات‌الریه درگذشت و در هانتسویل اونتاریو کانادا مدفون شد.

۵. تاریخ مشروطه ایران و جنبش وطن‌پرستان اصفهان و بختیاری، نورالله دانشور علوی، مقدمه و حواشی از حسین سعادت نوری، تهران: انتشارات کتابخانه دانش، چاپ اول ۱۳۳۵ ه.ش.

در این مقطع، حسین سعادت نوری (که نماینده‌ی وزارت دارایی در هیأت‌مدیره‌ی شهرداری تهران بود) کوشید تا توان ترجمه‌ی خود را در زمینه‌هایی غیر از تاریخ سیاسی بیازماید که حاصل این تلاش، انتشار ترجمه‌ی دو کتاب متفاوت با عنوان «آشنایی مردم آمریکا با اتم؛ تاریخ تحولات اتم»^۱ اثر گوردن اوانس‌دین در سال ۱۳۳۵ و مجموعه داستان آمریکایی زشت»^۲ اثر ویلیام جی لدرر و یوگن یوردیک در سال ۱۳۳۸ بود. در این دو همکاری خود را با نشریات معتبر پایتخت از جمله مجله‌ی «یادگار» (به مدیریت عباس اقبال آشتیانی)، مجله‌ی «یغما» (به مدیریت حبیب یغمایی) و مجله‌ی «وحید» (به مدیریت سیف الله وحیدنیا) در قالب نگارش مقالات پژوهشی^۳ موضع تاریخ اصفهان و ایران آغاز کرد که از آن جمله می‌توان به سری یادداشت‌های «حاج میرزا آقاسی»^۴، «ظل‌السلطان»

۱. آشنایی مردم آمریکا با اتم؛ تاریخ تحولات اتم، گوردن اوانس‌دین، ترجمه‌ی حسین سعادت نوری، بی‌جا [احتمالاً تهران]، انتشارات روزنامه‌ی یک ایران، چاپ اول ۱۳۳۵ ه.ش.

۲. آمریکایی زشت (مجموعه داستان)، ویلیام جی لدرر و یوگن یوردیک، ترجمه‌ی حسین سعادت نوری، بی‌جا [احتمالاً تهران]، انتشارات روزنامه‌ی یک ایران، چاپ اول ۱۳۳۸ ه.ش.

۳. حسین سعادت نوری، اقدام به شالوده‌شکنی درخصوص حاج میرزا آقاسی نمود؛ درحالی‌که اکثر نویسندگان وی را فردی بی‌لیاقت و عامل اعطای امتیازات فاسد به دولت‌های روس و انگلیس نوکر انگلیس می‌دانستند، سعادت نوری اقدام به ساخت و ارائه یک «ضد‌روایت» کرد و وی را تبدیل به یک قهرمان ملی نمود. حبیب یغمایی مدیر وقت مجله‌ی یغما سال‌ها بعد نوشت: «وقتی از مرحوم حاج میرزا آقاسی وزیر محمدمشاه قاجار سخن رفت که او را نکوهش می‌کنند و او (حسین سعادت نوری) معتقد بود که حاجی برخلاف آنچه معروف است شخص داهی و باهوش بوده و من از او استعفا کردم که دریافت‌های خود را مرقوم دارد. کتابی که حسین سعادت نوری درباره‌ی —»

و «رجال عصر قاجار» اشاره کرد.

او در سال‌های ۱۳۳۱ و ۱۳۳۲ به انتشار روزنامه «پیران» در تهران پرداخت و نیز نگارش مقالات تاریخی در مطبوعات اصفهان از جمله روزنامه‌ی «اصفهان» (به مدیریت امیرقلی امینی) و روزنامه‌ی «عرفان» (به مدیریت احمد عرفان) را برعهده گرفت که سلسله نوشتارها با عنوان «حکام اصفهان در دوره‌ی قاجاریه» از آن جمله است.

حسن سعادت نوری در سال ۱۳۴۴ (به درخواست خود) به افتخار بازگشتگی نائل شد. پس از این دوران، به صورت تمام‌وقت به ترجمه و پژوهش در تاریخ معاصر پرداخت. دهه‌ی چهل خورشیدی را می‌توان پرمهم‌ترین دهه‌ی عمر حرفه‌ای او دانست.

در همین سال‌های اوج زندگی حرفه‌ای سعادت نوری، ابوالفتح اوژن بختیاری نگارش سلسله‌مقاله‌ی «تاریخ بختیاری» را از سال ۱۳۴۴ در مجله‌ی وحید آغاز کرد.

وی در این مقالات، قتل حسین قلی خان بختیاری حاکم مقتدر منطقه‌ی بختیاری به دست ظل‌السلطان را ناشی از سعادت فرهادمیرزا معتمدالدوله والی فارس و در راستای تحقق سیاست‌های انگلیس‌ان با هدف تقویت عرب‌های نوار جنوب‌غربی خوزستان در برابر لرهای نانی و لرهای بختیاری

→ حاجی میرزا آقاسی در مجله‌ی یغما به چاپ رسانده و گویا جایگاه مهم منتشر فرموده، از اهم رسائلی است که درباره‌ی این شخص یعنی حاج میرزا آقاسی نوشته شده و در این کتاب با دلایل قوی و استوار حاجی را تبرئه فرموده است. ن. ک. آینده، سال هشتم، اردیبهشت ۱۳۶۱، صفحه‌ی ۸۵ الی ۸۷.

۱. سری مقالات ابوالفتح اوژن با عنوان «تاریخ بختیاری» اخیراً گردآوری، تصحیح و منتشر شده است. ن. ک. تاریخ بختیاری (متن کامل؛ جلد ۱ و ۲ و ۳ در یک مجلد)، مقدمه و تصحیح محسن حیدری، تهران: نشر تمتی، چاپ اول ۱۳۹۴.

نواحی مرکزی، شمالی و شرقی خوزستان دانست.^۱

حسین سعادت نوری در کتاب «ظل السلطان» که در سال ۱۳۴۷ منتشر شد، در صدد ارائه‌ی «ضد روایت» ابوالفتح اوژن بختیاری برآمد^۲ و بخش قابل توجهی از کتابش با عنوان «ظل السلطان» را به تضعیف و رد ادعاهای ابوالفتح اوژن درباره‌ی نیت انگلیس در قتل حسینقلی خان بختیاری اختصاص داد و نهایتاً لال نمود که تلاش حسینقلی خان در برقراری روابط حسنه‌ی تجاری با انگلیسی‌ها از جمله مکنزی (نماینده‌ی کمپانی گری و پل، و بعدها کمپانی گری مکنزی) موجب هراس دولتمردان ایران و قتل وی شده و انگلستان در قتل وی شکی نداشته است.

اصرار حسین سعادت نوری بر ارائه‌ی «ضد روایت» ابوالفتح اوژن، آن قدر زیاد بود که بخش‌هایی از مقاله‌ی بیست سال پیش خود با عنوان «ظل السلطان» را آشکارا نقض کرد و به نقد همان مسائلی پرداخت که خود در سال ۱۳۲۷ هـ.ش در باب تقصیرات ظل السلطان در قتل حسینقلی خان بختیاری بیان کرده بود. این تجدیدنظرطلب حسین سعادت نوری از تک‌مقاله‌ی «شرح حال ظل السلطان»^۳ (منتشر شده در سال ۱۳۲۷) تا کتاب «ظل السلطان»^۴ (منتشر شده در سال ۱۳۴۷) را می‌توان به دو علت مختلف (یا یکی از این دو علت) منتسب دانست:

۱. تاریخ بختیاری، ابوالفتح اوژن بختیاری، همان، صص ۹۳ تا ۹۶
۲. وی می‌نویسد: «به قراری که نویسنده‌ی این سطور شفاهاً در طهران به آقای ... رنگ اوژن تذکر دادم ایشان در ضمن نگارش سطور بالا تا اندازه‌ای تحت تأثیر احساسات خانوادگی قرار گرفته‌اند». نک کتاب ظل السلطان، حسین سعادت نوری، تهران: وحید، چاپ اول ۱۳۴۷، ص ۱۴۹
۳. شرح حال ظل السلطان، حسین سعادت نوری، مجله‌ی یادگار، آذر و دی ۱۳۲۷، شماره‌ی ۴۴ و ۴۵
۴. ظل السلطان، حسین سعادت نوری، تهران: انتشارات وحید، چاپ اول ۱۳۴۷